

معانی

داوود: یعنی کسی که دوی درد خود می داند

سلیمان: یعنی کسی که قلب سلیم دارد... پر از سلامتی

سلیم: یعنی آرام تندرست

هنر سنگین پای: معماری

هنر باد پای: شعر و ادبیات

سبک: نوع نگاه انسان به کل آفرینش

ذاریات: بادهای پراکننده

بتهون: ناشنوای موسیقی دان

جنت: یعنی سایه

فصوص: جواهرات

حافظ: مطرب

دوریان گریت: مردی که خودش را نقاشی کرد تا پیر و زشت نشود

قیس بن ملوح عاشق لیلی عامریه شد. معروف به مجنون شد. شاعر دوران اموی

فرهنگ: یعنی قصد نور کردن، نور الهی، فر یعنی نور. زیبایی و نیکویی و دانایی، هنگ یعنی قصد

طوطی هند: امیر خسروی دهلوی

مخدره: یعنی زن پرده نشین، خانم، خاتون

امام المشککین: امام فخر رازی را می گویند

بازخریدن: redemption